

تلاش برای درک اراده‌ی خدا

توماس بروئر

خداوند از من می‌خواهد چه کاری انجام دهم؟ آیا تا به حال این سؤال را از خود پرسیده‌اید؟ من از خودم پرسیده‌ام. برای من سؤال بود، آیا خدا می‌خواهد من اینجا زندگی کنم؟ آیا خدا می‌خواهد با این شخص ازدواج کنم؟ آیا خدا می‌خواهد این شغل را به عهده بگیرم؟ خدا از من چه می‌خواهد؟ یافتن پاسخ برای این سؤالات می‌تواند دردآور باشد، چون بسیار مهم هستند. ما دوست داریم پاسخ سؤالات مهمی که داریم تا جای ممکن دقیق و مورد اطمینان باشند. چون وقتی اطمینان نداریم غالباً احساس ترس می‌کنیم. ندانستن کاری که باید انجام بدهیم باعث می‌شود احساس کنیم ممکن است اشتباه کنیم و ما را دچار اضطراب می‌سازد. در واقع اگرچه ممکن است اعتراف نکنیم اما گاهی اوقات ترس آن را داریم که رفتاری مغایر با اراده‌ی خدا داشته باشیم.

کوشش برای درک اراده‌ی خدا جستجو برای رسیدن به یقین است. ما به‌طور طبیعی به دنبال اطمینان حداکثری در تصمیمات خود هستیم. اطمینان به ما کمک می‌کند تا کنترل بیشتری داشته باشیم و زمانی که احساس کنترل داشتن به ما دست می‌دهد احساس امنیت می‌کنیم.

انگیزه‌های اشتباه

جستجوی اطمینان بیشتر در مورد تصمیمات اشتباه نیست. مناسب است تا عواقب تصمیمات خود را بدانیم، به دنبال مشورت‌های حکیمانه باشیم و با دعا کارهایی که مایل به انجامشان هستیم را در نظر بگیریم. با این حال گاهی اوقات عدم اطمینان می‌تواند باعث شود که قلب ما انگیزه‌های نادرستی برای درک اراده‌ی خدا داشته باشد. ما مسیحیان خوانده شده‌ایم که به خداوند و تحت کنترل بودن امور به‌دستان او اعتماد داشته باشیم، اما گاهی اشتیاق به دانستن اراده‌ی خداوند می‌تواند از علاقه‌ی ما به در اختیار گرفتن کنترل امور

زندگی مان سرچشمه بگیرد. می خواهیم خدا دقیقاً به ما بگوید که چه کار کنیم تا دیگر نیازی به ایمان نباشد. این باعث آرامش قلب ما می شود، این طور نیست؟ بنابراین عجیب است که چگونه یک اشتیاق ظاهراً خوب (علاقه به درک اراده ی خدا) گاهی می تواند به یک تمایل بد تبدیل شود (خواهش کنترل بیشتر امور به دست خودمان). این مرا به یاد فریسی ها می اندازد. آنها فکر می کردند که در حال انجام دقیق اراده ی خدا هستند و از نعناع و زیره ده یک می دادند (لوقا ۱۱: ۴۲). عیسی گفت: آنها پشه را صافی می کنند اما شتر را می بلعند (متی ۲۳: ۲۴). یعنی آنها به دنبال کنترل کوچک ترین جزئیات بودند اما ایمان به خدا را از دست دادند. عیسی آنها را قبرهای سفید شده نامید (آیه ۲۷). آنها از بیرون خوب به ظاهر می رسیدند، اما در داخل مرده بودند. آنها قلباً هیچ اعتمادی به خدا نداشتند، هرچند ظاهراً به دنبال انجام اراده ی او بودند.

روایت فریسی ها یک داستان هشداردهنده برای مسیحیان است. ما باید مراقب باشیم که علائق ظاهراً خوب از انگیزه های غلط نشأت نگیرند. این کار دشواری است و نیاز به جستجوی قلبی زیادی دارد. آیا فریسیان اشتباه کردند که در مورد بعضی موضوعات به یقین رسیده بودند؟ نه، اشتباه آنها آن نبود. ما هم در برخی موارد از آنچه خداوند می خواهد انجام بدهیم اطمینان داریم. به عنوان مثال ما می دانیم که او گفته است: "پس مانند برگزیدگان مُقَدَّس و محبوب خدا، احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمّل و حلم را بپوشید" (کلوسیان ۳: ۱۲). می دانیم که او گفته است، "حکم من این است که یکدیگر را محبت نمایند" (یوحنا ۱۵: ۱۲)، و "در خداوند دائماً شاد باشید" (فیلیپیان ۴: ۴). اینها نمونه هایی از اراده ی خداوند هستند. او چیزهای دیگر و حتی مشخص تری نیز گفته است. برای مثال او از ما خواسته است، اگر خواستیم ازدواج کنیم، فقط باید با یک ایماندار مسیحی وارد عهد ازدواج بشویم و نه یک غیر مسیحی (اول قرنتیان ۷: ۳۹؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴). همچنین ما را به داشتن شغل فراخوانده است (کلوسیان ۳: ۲۳؛ اول تیموتائوس ۵: ۸).

این قسمت ها از کلام خدا و موارد دیگر اراده ی خدا را برای ما آشکار می سازند. با این وجود ما به دنبال چیزی مشخص تر هستیم، درست نمی گویم؟ ما اصولاً نگران اراده ی اخلاقی خداوند یعنی احکام او نیستیم (الهیادانان

غالباً این جنبه از اراده‌ی خدا را اراده‌ی حاکمانه می‌خوانند). گویا در میان گزینه‌های خوب اخلاقی گیر کرده‌ایم و نمی‌دانیم باید چه کاری را انجام دهیم. اراده‌ی اخلاقی خدا می‌تواند به ما در مورد برخی گزینه‌ها اطمینان بیشتری بدهد، اما آن را به یک انتخاب خاص و مشخص محدود نمی‌کند. وقتی در مورد انتخاب‌های مشخص صحبت می‌کنیم که خداوند آنها را آشکار نکرده در مورد اراده‌ی پنهان او صحبت می‌کنیم، اراده‌ای که خداوند چنین خواسته که برای ما آشکار نکند. اراده‌ی پنهان یا مخفی خداوند اسرار الهی می‌باشند. این شامل تمام تصمیمات دقیقی است که او بر ما آشکار نساخته (اگر خدا جای من بود کدام را انتخاب می‌کرد؟)، در مورد آینده (آیا با این شخص ازدواج کنم؟)، و تقریباً هر چیزی را که خداوند برای خودش نگاه داشته است (چرا من به جای این دوران در قرن پیش به دنیا نیامدم؟).

روش‌های غلط

غالباً وقتی به دنبال درک موضوعاتی هستیم که خداوند آشکار نکرده- اراده‌ی پنهان او- از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنیم. گاهی احکام عالی کتاب مقدس را گرفته و با ایجاد مغلطه در پی استفاده از آنها برای مقاصد خود برمی‌آییم. برای مثال، داشتن مشاورین برای گرفتن تصمیمات درست کاری پس‌نیده است (امثال ۱۱: ۱۴؛ ۱۵: ۲۲). شبانان، اعضای خانواده و دوستان اغلب محبت و هدایت خدا را در موقعیت‌های خاص برجسته و تأیید می‌کنند. آنها می‌توانند و مایل هستند در تصمیم‌گیری به ما کمک کنند. اما گاهی به جای دریافت مشاوره از افراد حکیم به آنها به‌عنوان راهی برای "کشف" اراده‌ی پنهان خداوند استفاده می‌کنیم. ما از شبان کلیسای خود چنان در مورد یک موضوع نظرخواهی می‌کنیم، گویا که خداوند مستقیماً اراده‌اش را برای ما به او گفته است، یا اعتماد داریم که دوستانمان "کلامی از جانب خدا" در مورد ما شنیده‌اند. دعا نیز در این مورد امری شایسته است و ما برای کسب حکمت به دعا خوانده شده‌ایم (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۵). ما می‌توانیم و باید برای شناخت مسیر زندگی دعا کنیم. اما گاهی اوقات مسیحیان از این فراتر می‌روند. آنها از

خداوند درخواست نشانه‌های الهی می‌کنند، مثلاً این که از طریق یک تماس تلفنی یا ظاهر شدن یک پیام خاص روی بیلبورد در حال رد شدن از خیابان خداوند آنها را هدایت کند.

این نوع رفتارها گاهی با اشتیاقی خالصانه برای درک و انجام اراده‌ی خدا انجام می‌شود و بسیاری با استفاده از اعمال عجیب و غریب تصمیمات خوب و درستی گرفته‌اند. ممکن است با دیدن یک پیام غیرمعمول روی بیلبورد شهر اراده‌ی پنهان خدا برایمان تأیید شود و بر اساس آن تصمیمی گرفته و ما با موفقیت روبرو شویم اما در هر حال به دنبال کشف اراده‌ی مخفی خدا بودن با این روش‌های عجیب و غریب کتاب مقدسی نیست. کتاب مقدس نمی‌گوید که ما می‌توانیم اراده‌ی پنهان خدا را از طریق مشورت گرفتن، اتفاقات غیرمعمول، احساس شغف نسبت به یک موضوع یا چیزهای دیگر کشف کنیم. اراده‌ی پنهان خداوند بنا به ماهیتش پنهان است.

آیا این موضوع ما را از خدا دور می‌سازد؟ نه، چون حضور خداوند ربطی به اطمینان ما ندارد. قوم بنی اسرائیل را در زمان روبرو شدن با دریای سرخ در نظر بگیرید، لشکر فرعون در پس آنها در حال نزدیک شدن بودند، چه قدر ترس و تردید داشتند (خروج ۱۴: ۱۰-۱۴). آنها از حضور خدا اطمینان نداشتند، اما خدا با آنها بود. او آنها را در برابر مصریان محافظت کرد و به سلامت از دریای سرخ عبور داد. ما نیز ممکن است در مورد یک تصمیم احساس عدم اطمینان کنیم، اما باید بدانیم که خداوند همچنان با ماست. ما می‌توانیم به او اعتماد کنیم حتی در زمان‌هایی که به‌طور دقیق آنچه را باید انجام دهیم برایمان آشکار نکرده است. او قدم‌های ما را هدایت می‌کند حتی در زمان‌هایی که ما قدم برمی‌داریم.

ضرورت ایمان

من زنان و مردان ایمانداری را ملاقات کرده‌ام که بعد از سال‌ها پیروی مسیح به گذشته‌ی زندگی خود نگاه می‌کنند و به شکلی عمیق اما غیر قابل وصف متوجه این موضوع می‌شوند که چطور خداوند در تمام طول آن سفر همراه آنها بوده. اغلب این مقدسین سالخورده از بودن در جایگاهی که امروز قرار دارند متعجب هستند.

آنها به من می‌گویند در طول این مسیر هرچند همواره تصمیماتی گرفته‌اند اما گویا آنها کار کمتری انجام داده‌اند. گاهی اوقات با تعجب از خودم می‌پرسم، آیا ابراهیم هم وقتی به گذشته‌ی زندگی خود نگاه می‌کرد همین احساس را داشت؟ چیزی که در مورد این افراد برای من یک یادآوری خوب و باعث تسلی است این است که، هرکجا می‌رویم خدا با ماست و او قدم‌های ما را هدایت می‌کند، البته به شکلی رازآلود (مزمور ۱۶: ۹).

فکر کردن به روایات زندگی این افراد نوع عملکرد خدا در زندگی ما را برای من یادآوری می‌کند. او ما را فرامی‌خواند تا به او اعتماد کنیم. ابراهیم به ایمان فراخوانده شد و ما نیز همین‌طور. ایمان به معنی توکل کردن به خداست، یقین داشتن به او. این همان چیزی است که فریسی‌ها فاقد آن بودند. اما در نهایت نه یک فریسی، بلکه یک ماهیگیر ساده بود که با عیسای مسیح بر روی آب راه رفت. پطرس با چنان ایمانی بر سطح دریای جلیل ایستاده بود که انگار بر زمین خشک راه می‌رود. یقین او هرچند ناکامل اما در خداوند بود. هنگامی که او شک کرد، رو به خداوند نموده و فریاد زد: "خداوندا، مرا دریاب" (متی ۱۴: ۳۰). عیسی به او نزدیک شد و از او پرسید: "چرا شک آوردی؟"

کوشش برای درک تمام اراده‌ی خدا و نداشتن هیچ سؤالی برای آینده‌ی تلاشی برای از بین بردن ضرورت ایمان است. ما همه‌ی آنچه خدا می‌داند را نمی‌دانیم. با این حال مانند پطرس، هنگامی که قدم‌هایی نامطمئن برمی‌داریم، دعوت شده‌ایم تا به خداوند اعتماد کنیم. زمانی که این کار را انجام می‌دهیم، خدا با ما خواهد بود. گاهی تصمیماتی می‌گیریم که به نظر می‌رسند موفقیت‌های بزرگی در پیش دارند و در مواقعی تصمیماتی خواهیم گرفت که ظاهراً اشتباه هستند. ممکن است اشتباه کنیم. با این حال، خداوند طرق عجیبی برای تبدیل ضعف‌های ما به قدرت و تبدیل شرارت به نیکویی دارد (پیدایش ۵۰: ۲۰؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۹). وقتی مانند پطرس فریاد برمی‌آوریم، "خداوندا مرا دریاب" او حاضر است و ما را نجات خواهد داد.

توماس بروئر، دستیار ارشد و ویراستار مجله‌ی تیبل‌تاک است. ایشان استاد کمکی مدرسه‌ی الهیات ریفورمیشن بایبل کالج و یکی از رهبران کلیسای پرزبیتری در آمریکا می‌باشد.

این مقاله در مجله **تیبل‌تاک** منتشر شده است.